

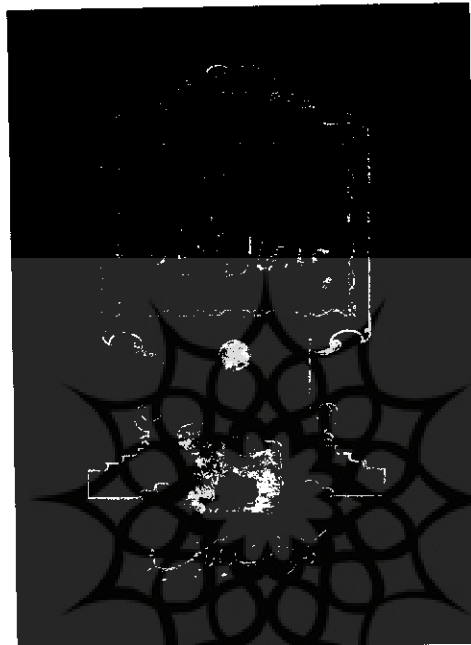
بی تردید یکی از راه‌های ترویج و گسترش فرهنگ و تمدن هر منطقه و نیز احیاء هویت تاریخی، دینی و فرهنگی در جهت جلوگیری از فراموشی آن، پرداختن به تاریخ‌های محلی است، همچنان که شناخت دقیق و علمی از توانمندیهای هر منطقه به منظور برنامه‌ریزی در راستای سیاست‌های کلان توسعه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، در گرو درک مستند و منطبق با واقعیت از پیشینه آن منطقه است.

فرهنگ و پیشینه تاریخی منطقه چهارمحال و بختیاری حکایتگر وقایع مهم تاریخی و فرهنگی است که هر یک به نوبه خود موجبات تحولات گسترده‌ای را در عرصه تاریخ و فرهنگ و تمدن ایران زمین فراهم کرده است. اهمیت مضاعف این تحولات فرهنگی و تاریخی آنگاه مبرهن خواهد شد که دریابیم این منطقه خاستگاه اولین حکومت کوه‌نشین، قبل از ورود آریایی‌ها به سرزمین ایران بوده و بختیاری‌ها با جمعیتی فراوان، یکی از مهم‌ترین ایل‌های ایران را تشکیل می‌دهند که در عرصه تحولات تاریخ کشورمان، بخصوص در جریان انقلاب مشروطیت نقش مهمی ایفا کرده‌اند. کتاب مورد معرفی در این نوشته دریچه‌ای است برای شناساندن چهارمحال و بختیاری با قدمت تاریخی بسیار طولانی و فرهنگ و آداب و رسوم مخصوص به خود که در طول سالهای متمادی تقریباً اصالت فرهنگی خود را حفظ کرده و با تمام تهاجمات بیگانه در طول تاریخ به ایران این منطقه توانسته هویت خود را تثبیت کند.<sup>۲</sup>

کتاب تمدن دیرینه چهارمحال و بختیاری نوشته دکتر اسفندیار آهنجیده که نخستین چاپ آن در سال ۱۳۷۸ به تیراژ ۳۰۰۰ نسخه توسط مؤسسه انتشاراتی مشعل با همکاری کتابفروشی وحدت در اصفهان به طبع رسیده، مشتمل بر دو قسمت، هر قسمت چهار فصل و

بیش از ۵۰۰ صفحه است. نویسنده در قسمت اول کتاب، پس از پیشگفتار، در مقدمه‌ای با عنوان: «مفاهیم و ویژگی‌های فرهنگ» ضمن ارائه تعریفی از دو کلمه «فرهنگ» و «تمدن»، با گریزی به ویژگی‌های فرهنگ مردم و ارزش و قلمرو فرهنگ عامه، پرداختن به این مقوله را به عنوان «عصاره زندگی اجتماعی» لازمه شناخت بیشتر مناطق مختلف جغرافیایی یک کشور دانسته است. سپس به ارتباط علم تاریخ با هر یک از مفاهیم: «تمدن» و «فرهنگ» و عقاید گونه‌گون در این خصوص می‌پردازد. (صص ۳-۲)

فصل اول کتاب که با مطلبی تحت عنوان



«چهارمحال و بختیاری در گذر تاریخ» آغاز می‌شود، پس از ذکر «مختصات جغرافیای استان»<sup>۱</sup> و اینکه «این منطقه در آغاز دوره سوم زمین‌شناسی از رسوبات دریائی «تتیس» به وجود آمده...» برای مشخص کردن موقعیت مکانی مردمان این دیار به بررسی روند تکاملی این منطقه از نظر تاریخی و شهرنشینی در طول زمان و فراز و نشیب‌های آن پرداخته، چنین می‌نویسد: «قدمت تاریخی این سرزمین به حدود ده هزار سال قبل از میلاد می‌رسد، کشفیات گیرشمن در تنگ پیده [در کوه‌های بختیاری واقع در شرق شوشتر] کهن‌ترین آثار حیات را در این منطقه بیان می‌کند و آثار باقی... نشان‌دهنده قدمت تاریخی این سرزمین [است که] به دوره نوسنگی و دوره مس و مفرغ می‌رسد...» و در ادامه می‌آورد: «اگر قبول کنیم که حکومت عیلام [ایلام] یک حکومت کوه‌نشین بود همانطوری که از نام عیلام استنباط می‌شود به معنای کوهستان است و مردمی که به کرد، لر و بختیاری معروف شده‌اند به طور قطع عیلامی هستند که مغلوب آشوری‌ها شدند و تا زمان اسکندر در همین نقاط با هم زد و خورد می‌کرده‌اند... ولی اقوام اولیه این منطقه قبل از ورود آریائی‌ها می‌بایست قبایل لولوبی و گتی‌ها باشند... نژاد مردم این منطقه [نیز] می‌بایست امتزاجی از این اقوام با آریائی‌ها باشد ضمن اینکه با آمدن اسکندر مقدونی و مهاجرت یونانی‌ها، امتزاج مضاعفی دیگر در این منطقه روی داده است...» (صص ۶-۵) نویسنده همچنین شکوفایی این منطقه را با روی کار آمدن سلسله هخامنشی و احداث راه مهم شوش به هگمتانه می‌داند که قسمتی از آن از این سرزمین می‌گذشت و همچنین راه شوش به پاسارگاد که این جاده با جاده اولیه در قسمتی از این منطقه تطابق داشته، بر اهمیت و اعتبار آن افزوده بود. (ص ۷)

○ کیوان لؤلوی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

نگاهی به کتاب

# تمدن دیرینه چهارمحال و بختیاری

○ چهارمحال و بختیاری و تمدن دیرینه آن

○ تألیف: اسفندیار آهنجیده

○ ناشر: مشعل با همکاری کتابفروشی وحدت، چاپ اول، ۱۳۷۸

مؤلف در ادامه از مبارزات کوه‌نشینان منطقه در مقابل هجوم سپاه اسکندر مقدونی به ایران سخن به میان می‌آورد و سپس به نقش این کوه‌نشینان در کامیابی‌های نظامی اشکانیان اشاره و در نهایت دوره ساسانیان را دوران تاریخ، رکود و عقب‌ماندگی اجتماعی تجمعات انسانی این خطه ذکر می‌کند که به چند پارگی این سرزمین و پیوستن هر بخش آن به یکی از استان‌های حاصل‌خیز مجاور آن (پارسه، خوزیه، اصفهان) انجامید.<sup>۲</sup>

دومین مطلب فصل نخست کتاب به «زیارتگاه‌ها و اماکن مقدسه استان» اختصاص دارد که با مدخلی تحت عنوان «دین» و جدولی از اقلیت‌های دینی منطقه «به تفکیک مناطق شهری و روستایی»، ۱۴ مورد مزارات این استان و مختصات مختلف آنها را به طور مجزا به تفصیل شناسانده، در نهایت «اوضاع فرهنگی بختیاری» را در زمینه مذهب و اعتقادات به دست داده است.

مطلب بعدی این فصل تحت عنوان «تعاون در فرهنگ بختیاری» به بررسی ایل بختیاری از لحاظ مناسبات خاص اجتماعی نظاره دارد که به طور کلی جامعه‌ای پیشرفته محسوب می‌شود و از مبانی مناسبات آن تکیه بر ارزش انسان است. نمونه بارز این مناسبات را در همکاری‌های اجتماعی، به ویژه در امور تولیدی می‌توان مشاهده کرد. در ادامه به منظور شناخت قسمتی از حیات معنوی و روحیات اجتماعی ایل بختیاری به ذکر مواردی چند از جمله: تعاون در کشاورزی - تعاون در دامداری - تعاون در کوچ - تعاون در شادی‌ها و سوگواری‌ها - عقد و ازدواج - مراسم عزاداری - قبرستانهای بختیاری پرداخته است.

آخرین مطلب فصل اول به شناخت «هنر در فرهنگ ایلی و عشایری ایران» می‌پردازد که مشتمل بر نکات عمده و ویژگی‌های مهم و بارز ادبیات و هنر عشایری و

کارکردهای خاص آن است و «متأثر از جابجایی‌های کوچندگی و برخورد بی‌واسطه مردم با طبیعت و مرتبط با ابزار کار و تولید و عناصر دیگر محیطی اعم از فرهنگی و اجتماعی... و در پاسخ به نیازهای جامعه عشایری است که در گذر زمان همراه با تغییر و تحولات ساختاری جامعه، شکل و تبلوری خاص یافته است.» (ص ۴۵) مهم‌ترین این ویژگی‌ها براساس مطالب ارائه شده در کتاب عبارتند از: حماسی بودن اشعار (ادبیات) و جنبه تهییج و حفظ آمادگی رزمی در ارتباط با موسیقی، رقص، قصه و افسانه؛ بیان حالات دفاعی و حفظ حریم؛ شجاعت و دلیری و صفا و صمیمیت؛ نظم و سامان‌دهی به سازمان تولید... که همه و همه از کارکردهای هنر ایلی محسوب می‌شود. (صص ۴۷-۴۵).

عنوان فصل دوم «تاریخ دیرینه چهارمحال و بختیاری» است در ابتدای این فصل به «گذشته تاریخی چهارمحال و بختیاری» پرداخته و در بررسی تاریخی این نکته که حداقل دوسوم مردم این منطقه، کوچ‌نشینان زاگرس بوده‌اند که به مرور اسکان پیدا کرده‌اند، به نقل دیدگاه‌های برخی مورخان و صاحب‌نظران مانند: گارنویت، آرنولد توین‌بی، جاسکوز برکو (Jacques Berque)، لاورنس کرادر (Lawrence Krader)، روبرت بریدود (Robert. T. Braidwood)، کنت فلائری، اون لاتی مور و کروبر (A. L. Kroeber) می‌پردازد.

«نظام کوچ‌نشینی و یکجانشینی» و «مقایسه‌یی از ساختار اجتماعی کوچ‌نشینان با یکجانشینان» دو مطلب بعدی فصل دوم کتاب را تشکیل می‌دهند که طی آنها به عوامل روی آوردن به کوچ‌نشینی یا یکجانشینی و سازمان اجتماعی و نظام سیاسی هر دو گروه پرداخته است. نویسندگان در ادامه مباحث این فصل «گذشته منطقه چهارمحال و بختیاری از دیدگاه مورخین» را مورد مطالعه

قرار می‌دهد و قدیم‌ترین نوشته‌های مربوط به این منطقه از دید تاریخ‌نگاران را به تفصیل ذکر می‌کند. نخست از حمدالله مستوفی به عنوان اولین کسی نام می‌برد که در سال ۱۳۳۰ میلادی در تاریخ گزیده از «بختیاری» نام برده است.<sup>۳</sup> ذکر پیشینه تاریخی بختیاری‌ها از زمان شاه طهماسب صفوی (۱۵۷۵-۱۵۳۴) که ریاست لر بزرگ (قومی که بعدها به بختیاری شهرت یافت) را در ازاء یک خراج سالیانه سنگین به تاج میرخان آسترکی واگذار کرد (به نقل از مؤلف شرفنامه) تا روی کار آمدن نادرشاه افشار و درگیری وی با بختیاری‌ها (۱۷۳۲) و کوچ سه هزار خانوار شاخه هفت لنگ بختیاری به خراسان (برای جلوگیری از تهدیدات بعدی) و بعدها استفاده از همین قشون شکست‌خورده بختیاری برای حمله به قندهار با اعطاء منصب سرداری به علی صالح‌خان بختیاری (اولین خان بختیاری که از طرف پادشاه ایران به لقب سرداری رسید) و سپس تصرف اصفهان توسط علی مردان‌خان، یکی از رؤسای بختیاری و نهایتاً پیروزی کریم‌خان زند بر وی و آنگاه در اوایل دوره قاجاریه، شکست قشون آقامحمدخان از گره‌های بختیاری تا حوادث سال ۱۸۱۳ که قاجارها توانستند در قلمرو بختیاری نفوذ کنند،<sup>۴</sup> مهم‌ترین مباحث این قسمت از کتاب را تشکیل می‌دهند. (صص ۶۶-۵۹).

«سازمان اجتماعی ایل بختیاری» عنوان پنجمین مطلب فصل دوم کتاب و شامل ذکر شعبات اصلی<sup>۵</sup> و فرعی ایل بختیاری و مسائل مربوط به نوع سازمان پدرتباری ایل بختیاری است. مؤلف با عنایت به ساختارهای سازمانی این ایل، شایسته می‌داند که بجای سخن گفتن از یک ایل، از «اتحادیه بختیاری» سخن گفته شود. جدای از روند تاریخی پیدایش نظام انشعابی ایل بختیاری، نکته مهمی که در این قسمت به آن توجه شده

ژوئیه ۱۳۸۰  
شماره ۱۱۳  
مجله علمی-تخصصی  
پژوهش‌های علمی-تخصصی  
پژوهش‌های علمی-تخصصی



است» کارکرد این نظام است.

عنوان مطلب بعدی «کوچ‌نشینی و بهره‌برداری از محیط‌زیست» است که به اختصار به فنون کوچ‌نشینان بختیاری در این خصوص اشاره دارد. (صص ۷۷-۷۳).

«سرزمین چهارمحال و بختیاری» عنوان مطلب بعدی است که در آن ضمن پرداختن به مسائل قومی مردمان بختیاری (نظیر اختلاف قومی با سایر اقوام)، دستاورد بختیاری‌ها، این عشایر کوه‌نشین ایرانی در پویه تاریخ راه احساس بختیاری بودن ایشان می‌داند. (ص ۷۹)

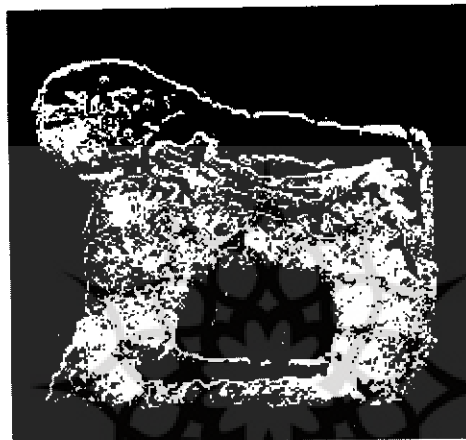
نویسنده در همین فصل، در مبحثی دیگر تحت عنوان «منابع طبیعی - جغرافیایی» به بررسی طبیعی منطقه در سه بند: فلات ایران - زاگرس مرکزی - دامنه‌های نواحی مرکزی زاگرس پرداخته، در ادامه با طرح بحث «سکنی‌گزینی در رشته‌کوه‌های زاگرس» به بررسی پیشینه تاریخی این موضوع از دوران باستان می‌پردازد و در مطلع با استناد به نظر مینورسکی، بلندی‌های زاگرس در مناطق مرکزی با آب‌گیرهای فراوان و دره‌های مستعد کشاورزی را که کفایت تغذیه سالانه مردم بسیاری را می‌کند با ایجاد حکومت‌های متعدد در آنجا در طول تاریخ مرتبط می‌داند. (ر. ک: ص ۸۵).

«چهارمحال و بختیاری از دیدگاه جهانگردان» عنوان آخرین مبحث فصل دوم کتاب می‌باشد. در این فصل گزیده خاطرات سفر جهانگردانی که از سرزمین بختیاری دیدن کرده‌اند از جمله: ادوارد استاک،<sup>۱۶</sup> ایزابلا بیشوپ،<sup>۱۷</sup> هنری بلوس لینچ،<sup>۱۸</sup> بارون دیوید،<sup>۱۹</sup> لرد کرزن<sup>۲۰</sup> و الیزابت مکین<sup>۲۱</sup> روز درج شده است.

فصل سوم قسمت اول کتاب به «تاریخ و تمدن شهرکرد، مرکز استان» اختصاص یافته است. نویسنده در این قسمت در گفتاری با عنوان «شهرستان شهرکرد مرکز استان» به بررسی نظریات مختلف مردم و اسناد و مدارک موجود در مورد نژاد مردم و وجه‌تسمیه شهرکرد می‌پردازد. پس از آن با ذکر هفت چغات<sup>۲۲</sup> موجود در گوشه و کنار شهر به عنوان بخشی از میراث فرهنگی، به نقل سندی در مورد قدمت چهارمحال و همچنین قضیه آمدن کنسول انگلیس به چهارمحال در سال ۱۳۳۵ قمری و بالاخره بحثی پیرامون «مردم‌شناسی چهارمحال و بختیاری» پرداخته که در آن درباره ترکیب و وضع نژادی ساکنین سرزمین چهارمحال و تحولات و تغییرات آن سخن گفته است. در قسمتی از این بحث آمده است: «... در برابر قدرت و تهاجم ایل بختیاری، پادشاهان صفوی و نادرشاه و زندیه برای محدود ساختن قدرت تحرک [ایلات و عشایر بختیاری] علاوه بر گروگان گرفتن و کوچ دادن، طوافت و افراد مقتدر دیگری را در نزدیکی این منطقه سکونت می‌دادند و آنها نیز با اطمینان کامل از پشتیبانی دولت مرکزی، از هجوم و تعدی و یکه‌تازی ایل نیرومند بختیاری یا قشقایی جلوگیری می‌کردند. از دوران صفویان و پادشاهی شاه‌عباس و سپس

در دوران نادرشاه و زندیه این رویه اجرا می‌شد و با کوچ دادن عده‌ای از ایلات و عشایر بختیاری، گروهی از ایلات ترک و کرد ارمنی و لک را در نواحی اطراف چهارمحال مستقر ساختند... این مردم در اغلب اوقات با ایل بختیاری در زد و خورد بودند.<sup>۲۳</sup>

سومین مطلب فصل سوم کتاب بررسی «پوشش گیاهی استان» می‌باشد که در ادامه با بحثی پیرامون



### منطقه چهارمحال و بختیاری خاستگاه اولین حکومت کوه‌نشین، قبل از ورود آریایی‌ها به سرزمین ایران بوده و بختیاری‌ها با جمعیتی فراوان، یکی از مهم‌ترین ایل‌های ایران را تشکیل می‌دهند که در عرصه تحولات تاریخ کشورمان، بخصوص در جریان انقلاب مشروطیت نقش مهمی ایفا کرده‌اند

کشاورزی و دامپروری به اتمام می‌رسد و سپس با مقدمه‌گونه‌یی درخصوص فرهنگ چهارمحال و سابقه تعلیم و تربیت در آن منطقه، مطالبی با عناوین «بیشوایان و بزرگان چهارمحال»، «شعرا و گویندگان شهرکرد (دهکرد)»، «تصویر کلی از وضعیت آموزشی منطقه» مطرح می‌گردد.

نویسنده در ادامه مباحث این فصل، به بررسی میراث فرهنگی شهرستان شهرکرد تحت عنوان «بناهای قدیمی»<sup>۲۴</sup> پرداخته، شناسنامه هر بنا اعم از: امامزاده، مسجد، حمام و مدرسه را به تفکیک بیان کرده است. پایان بخش این بحث، معرفی «یخچال‌های محلی»<sup>۲۵</sup> منطقه می‌باشد که به نوشته نویسنده، امروز دیگر اثری از آنها نیست ولی مکانهای آن در شهرکرد هنوز به همان محل‌ها معروف است. (ص ۱۷۸) بحثی با عنوان «مهاجرت و جمعیت در استان» که به بررسی استان از منظر: ویژگی‌های جمعیتی، رشد جمعیت، تراکم نسبی جمعیت و نژاد و لهجه اهالی چهارمحال می‌پردازد مطلبی است که در ادامه مباحث فصل سوم کتاب بدان اشاره شده است.<sup>۲۶</sup>

«نمایندگان مردم استان در مجلس شورای ملی» که در طی ۲۴ دوره مجلس شورای ملی از ۱۲۸۸ ش تا ۱۳۵۴ از این استان به مجلس وارد شدند، عنوان نهمین مبحث فصل سوم است.

مباحث پایانی فصل سوم به ترتیب عبارتند از: «آب و هوای استان» شامل بررسی منابع آب و گیاهان دارویی - «جاذبه‌های طبیعی» شامل تاریخچه، وضعیت اقلیمی و حیات وحش در ۴ منطقه: تنگ صیاد، سبزکوه، تالاب گندمان و تالاب چقاخور - «کارهای بافندگی و دستی» - «شیوه زندگی» و بالاخره بررسی «صنایع دستی ایل بختیاری»<sup>۲۷</sup> اعم از نساجی و بافندگی که در هر قسمت به فراخور، تکنیک‌های آن کار نیز مطرح شده است.

فصل پایانی قسمت اول با عنوان «شهرها و روستاهای شهرستان شهرکرد» شامل معرفی همه‌جانبه مجموعاً دوازده شهر و روستای منطقه موردنظر و ترسیم سیمای طبیعی، تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی این نقاط از جوانب مختلف است.

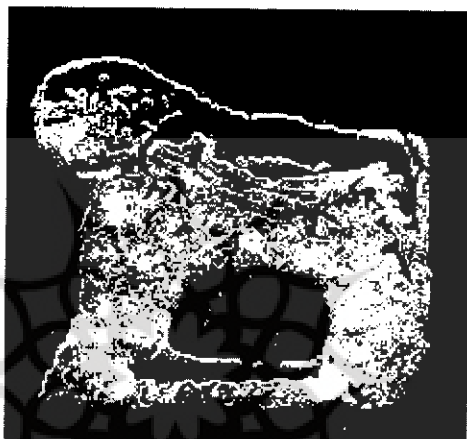
قسمت دوم کتاب نیز که چهار فصل دیگر را دربر می‌گیرد، اختصاص به سایر شهرستانها و بخشهای تابعه استان چهارمحال و بختیاری دارد. در فصل اول با شهرستان اردل (بخش میانکوه (سرخون)، دهستان دیناران (روستای آبرسره)، منطقه مشایخ، دهستان پشتکوه، روستای سرپیر (خاتون حلب) و ویژگی‌های طبیعی، تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی این منطقه آغاز و در ادامه در فصول دوم و سوم به ترتیب با معرفی کامل شهرستان لردگان (روستای جوانمردی، فلارد، روستای شهریار، روستای کرف)؛ بروجن (شهر بلداجی، روستای نقنه) و نهایتاً در فصل چهارم با معرفی شهر سلمزار، قلعه دزک، دستا، روستای گهرو، روستای قلعه‌تک

و روستای دستگرد امامزاده به پایان می‌رسد. در صفحات پایانی نیز ۲۴ قطعه تصویر (به صورت سیاه و سفید) از شخصیت‌های تاریخ‌ساز منطقه به چاپ رسیده که به نوبه خود بر غنای کتاب افزوده است. در مجموع با توجه به کمبود منابع و تحقیقات پیرامون ایل بختیاری که به واقع یکی از جوامع بزرگ ایران به شمار می‌رود و نقش‌های متفاوتی را در عرصه تاریخ این مرز و بوم رقم زده است، مراجعه به این کتاب و خواندن بخش‌های مختلف آن می‌تواند زوایای پنهان تاریخ محلی این منطقه مهم عشایری کشورمان را بیش از پیش برای علاقمندان تمدن دیرینه چهارمحال و بختیاری روشن کند.

#### پی‌نوشت‌ها:

- ۱- کامرون، جورج: ایران در سپیده‌دم تاریخ، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵، ص ۱۶۷.
- ۲- ر. ک: پیشگفتار مؤلف در همین کتاب، ص ۱؛ همچنین در مورد نقش ایل بختیاری در انقلاب مشروطه، ر. ک: ایل بختیاری و مشروطیت نوشته دکتر اسفندیار آهنجیده (۱۳۷۸)
- ۳- منطقه‌ی کوهستانی بین ۳۱ درجه و ۹ دقیقه تا ۳۲ درجه و ۴۸ دقیقه عرض شمالی و ۴۹ درجه و ۳۰ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۲۶ دقیقه طول شرقی در بخش مرکزی کوه‌های زاگرس، مابین پشتکوه‌های داخلی و فلات مرکزی که از شمال به استان اصفهان، از مغرب به خوزستان، از جنوب به کهگیلویه و بویراحمد و از شمال‌غربی به استان لرستان محدود است، متشکل از دو بخش: چهارمحال و دیگری: بختیاری.
- ۴- مؤلف در همین کتاب، اعتماد و تکیه شدید ساسانیان به امر زراعت که ریشه در اعتقادات مذهبی دین زردشت داشت را دلیل بی‌توجهی ایشان به مناطق کوهستانی که از فقر زمینهای مسطح و قابل کشت و نیز آب و هوای نامساعد رنج می‌برد، ذکر می‌کند. (ص ۱۵)
- ۵- در تاریخ گذشته آمده است که دو طایفه بختیاری و آسترکی (یکی از طوایف هفت لنگ بختیاری) در اوایل قرن ۱۳ از شامات به ایران مهاجرت کرده، به اتابک هزار اسب پیوستند. در اینجا تنها این پرسش مطرح می‌شود که مؤلف تاریخ گذشته از بختیاری به نام مختاری نام می‌برد! (ر. ک: ص ۵۹).
- ۶- در این سال شاهزاده محمدعلی میرزا (دولت‌شاه)، یکی از شاهزادگان نیرومند قاجار توانست اسدخان، یکی از باغیان و شورشگران معروف بختیاری را وادار به اطاعت کند. وی چندین بار بخش‌هایی از مناطق شمالی کشور را تا پشت دروازه‌های تهران مورد تاخت و تاز قرار داده بود (ر. ک: گارنویت، جن. راف - تاریخ سیاسی و اجتماعی بختیاری، ترجمه مه‌راب امیری، انزان، صص ۱۰۵ به بعد...).
- ۷- ایل بختیاری به دو شعبه (بخش / قسمت) تقسیم شده است: هفت لنگ - چهارلنگ. هر کدام از این شعبات نیز به تعدادی باب (بلوک) تقسیم می‌شوند و هر کدام از این بلوکها به چندین طایفه و هر طایفه به چندین تیره و تیره‌ی به چندین تش و هر تشی به چندین اولاد و هر اولادی به چندین فامیل و هر فامیلی به چندین خانوار (ر. ک: ص ۶۶).
- ۸- همه افراد بختیاری از قوم واحدی نبوده و نیستند... مردمان بختیاری مخلوطی از اقوام مختلف (ایرانی، عرب، مغول، ارمنی) هستند که تشکیلات سیاسی - اجتماعی خود را در مقابل همسایگان خود در قرن ۱۹ میلادی انسجام بخشیدند و اتفاق و اتحادی دولت‌گونه بین افراد (آن نواحی) به وجود آمد، اتحاد مزبور موجب قدرت سیاسی شد. (ر. ک: ص ۷۸)

۹- یکی از صاحب‌منصبان حکومت هند بریتانیا، در ژانویه ۱۸۸۱ میلادی وارد بندرعباس شد و آنگاه پس از دیدار از شهرهای بوشهر، شیراز، فیروزآباد، کرمان، یزد و اصفهان و مناطق بختیاری و تهران در ۱۵ اگوست همان سال از طریق آستارا و قلمرو روسیه رهسپار انگلستان شد. وی خاطرات این سفر را در دو جلد تحت عنوان «شش ماه در ایران» به رشته تحریر درآورد که آن را در ۶۹۳ صفحه به قطع وزیری در سال ۱۸۸۲ میلادی در لندن به چاپ رسانید. (همین کتاب، صص ۹۵-۹۴).



### مؤلف از حمدالله مستوفی به عنوان اولین کسی نام می‌برد که در سال ۱۳۳۰ میلادی در تاریخ گذشته از «بختیاری» نام برده است

۱۰- وی در فوریه ۱۸۹۰ میلادی از طریق بغداد وارد کرمانشاه شد و پس از دیدار از شهرهای تهران و اصفهان، از راه بختیاری خود را به خرم‌آباد و بروجرود و همدان رسانید و آنگاه به مناطق کردستان سفر کرد و سرانجام در نوامبر همان سال اورمیه را به قصد ارز روم ترک کرد. مسافرت این خانم مصادف با اواخر حکومت ناصرالدین شاه قاجار بوده است. او شرح مسافرت خود را به ایران در دو جلد تحت عنوان «سفر به ایران و کردستان» تنظیم کرد، که آن را در ۷۹۰ صفحه به قطع وزیری، در سال ۱۸۹۱ میلادی در لندن به چاپ رسانید (همین کتاب، ص ۱۰۳).

۱۱- پس از صدور فرمان آزادی کشتی‌رانی در کارون از طرف دولت ایران در سال ۱۸۸۸ م. (۱۳۰۶ ه. ق) کمیانی کشتی‌رانی فرات و دجله یکی از کشتی‌های خود را برای حمل کالاهای تجارتهی به سرویس رودخانه کارون هر دو هفته یکبار اختصاص داد. هنری بلوس لینچ یکی از شرکاء کمیانی مذکور به منظور بررسی جاده کاروان روبین شوشتر و اصفهان در اواخر تابستان ۱۸۸۹ میلادی از طریق شوشتر و قلمرو بختیاری به اصفهان سفر کرد. او مشاهدات خود را در مقاله‌ای تحت عنوان «آز لرستان تا اصفهان» به رشته تحریر درآورد که آن را در شماره ۱۲ مجله انجمن پادشاهی جغرافیایی (سپتامبر ۱۸۹۰ م. صص ۵۲۳ تا ۵۵۳) منتشر کرد. (همین کتاب، ص ۱۰۸).

۱۲- صاحب کتاب «سفرنامه لرستان و خوزستان».

۱۳- کرزن، لرد: ایران و قضیه ایران، ترجمه وحید مازندرانی، ج ۲، ص ۳۴۸ به بعد.

۱۴- دکتر الیزابت مکین روز (بی‌بی گل‌افروز)، با من به سرزمین بختیاری بیایید ترجمه مه‌راب امیری، از صفحه ۵۵ به بعد.

۱۵- منظور آثاری از خرابه‌های قلعه‌ها که به صورت تپه‌هایی در گوشه و کنار این شهر دیده می‌شود.

۱۶- ر. ک: صص ۱۵۵-۱۵۳. در همین صفحات رونوشتی از

۲ مورد از همین نوشتجات با عنوان «رونوشت حکم یوسف‌بن محمدحسن (مستوفی‌المالک) و رونوشت حکم میرزاآقاسی - به شاهزاده ظل‌السلطان آورده شده است که در اثبات صق ادعا و این تنش تاریخی مفید خواهد بود.

۱۷- مهم‌ترین این ابنیه عبارتند از: امامزاده حلیمه خاتون و حکیمه خاتون (مربوط به قبل از دوره اتابکان لرستان)، مسجد اتابکان (امام صادق) مربوط به ۶۰۵ هجری، مسجد ابومحمد، مسجدخان (جامع) دارای تاریخ ۱۲۷۰ ه. ق، مسجد نو مربوط به اوائل دوره قاجاریه، حمام خان، حمام پرهیزکار، حمام جنب امامزاده، حمام حاج عبدالله، حمام نو و سقاخانه، تکیه حسینی، مدرسه امامیه، مدرسه ملی (برون / معلم شهید) و...

۱۸- مکانهایی برای اندوختن یخ جهت استفاده از آب آن در زمانی بعد.

۱۹- توضیح اینکه دوره اول مجلس (۱۷ مهرماه ۱۲۸۵ تا ۱۲۸۷) چون انتخابات صنفی بود از این منطقه نماینده‌ی به مجلس نرفت و سرنوشت این مجلس چنانکه می‌دانیم با به توپ بستن آن توسط لیاخوف روسی به دستور محمدعلی‌شاه پایان گرفت. صعود قدرت بختیاری‌ها از دوره دوم مجلس (۲۴ آبان ۱۲۸۸ تا سوم دی ۱۲۹۰) آغاز کرد که درحقیقت بختیاری‌ها در کنار سران تبریز و گیلان بعنوان سردمداران سه‌گانه قیام علیه استبداد صغیر، حرف اول را در سرنوشت مملکت می‌زدند ولی با جریان سیاسی پیش آمده در مجلس دوره نهم (۲۴ اسفند ۱۳۱۱ تا ۲۴ فروردین ۱۳۱۴) که به دستور رضاشاه عده زیادی از سران بختیاری دستگیر، زندانی و اعدام شدند، نزول قدرت بختیاری‌ها شروع شد.

۲۰- وریش (تسمه‌های پشمی)، سیاه چادر (چادر بختیاری را به زبان محلی بهون Behun می‌نامند)، چوقاقایی (بالاپوش بختیاری)، خورجین، حور (نوعی خورجین)، تی‌وز (چننه / برای نگهداری و حمل نمک).